مجله علمی پژوهش درمدیریت ومطالعات اجتماعی، شماره ۱۰ ، زمستان ۱۳۹۶جلد۳، ص ۱۱۸-۱۱۰
http://www.jmss.ir

ضرورت تشویق و تنبیه در دانشگاه تراز انقلاب اسلامی از دیدگاه قرآن کریم

مجله علمی پژوهش درمدیریت ومطالعات اجتماعی (سال سوم)
شماره ۱۰ / زمستان ۱۳۹۶ / ص ۱۱۸-۱۱۰

سیدعلی هاشمی خانعباسی[۱]، رضا نوروز ولاشدی[۲]
[۱] استادیار گروه معارف دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
[۲] استادیار هواشناسی کشاورزی گروه مهندسی آب دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
(نویسنده مسئول) :
سیدعلی هاشمی خانعباسی

چکیده
تبشیر و انذار، از آموزه‌های اخلاقی در تعالیم اسلامی است که از جانب پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام بسیار سفارش شده و در قرآن بارها به آن تأکید شده است. تشویق و تنبیه در اسلام جنبه تربیتی دارد. در قرآن این دو واژه در کنار یکدیگر بارها آمده است. اگرچه تقدم با تشویق است اما یکی از راه‌های آرامش و پیشرفت در دانشگاه تراز انقلاب اسلامی در جهت تربیت بهتر نیروهای انسانی و افزایش کارایی در دانشگاه استفاده توأمان این دو جنبه تربیتی است. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای مبحث تشویق و تنبیه را مورد بررسی قرار داده است. این مهم با استفاده از روش توصیفی_تحلیلی به تفکیک آیات انذار، تبشیر و بررسی توأمان آن‌ها با نگاه تفسیری آیات انجام‌شده است. حاصل پژوهش علاوه بر ارائه اصول و فنون تربیتی منطبق با این آیات، لزوم همراهی و هماهنگی این دو با یکدیگر به‌منظور تحقق اصل اعتدال روحی در روش‌های تربیت اسلامی در دانشگاه تراز انقلاب است. به‌طوری‌که در تربیت و مدیریت اسلامی تشویق و تنبیه پاداش یا سزای اعمال انسان است. در قرآن کریم متجاوز بر ۱۲۰ بار از مشتقات انذار و بیش از ۴۰ بار از مشتقات بشارت استفاده‌شده است. بررسی آیات نشان می‌دهد روش تشویق و تنبیه از آموزه‌های انبیا الهی است. آن‌ها هم بشارت می‌دادند و هم بیم می‌دادند. درنهایت پاداش مؤمنان بشارت به نعمت‌های الهی و تنبیه گنه‌کاران ترس از عذاب دردناک الهی بوده است. لذا با بررسی آیات و نظرات مفسران قرآن می‌توان بیان داشت جهت ارزیابی در امور تربیتی، مدیریتی، اجرایی در دانشگاه تراز اسلامی بایستی از عواملی نظیر آموزه‌های تشویق و تنبیه که در قرآن و سنت الهی پیش‌بینی‌شده است، استفاده نمود. کاربردی کردن انذار و تبشیر در زمان حاضر و پیاده‌سازی در دانشگاه تراز انقلاب درگرو احیای امربه‌معروف و نهی از منکر است.

کلیدواژه: قرآن، تبشیر، انذار، دانشگاه تراز انقلاب، تشویق، تنبیه.

مقدمه

تأکید بر تربیت در مبانی انسان‌شناختی اسلام نمودی آشکار دارد. تربیت‌پذیری ویژگی اساسی انسان و دلیل اصلی بر ضرورت فرستادن پیامبران و تشریع دین است. تربیت به معنای ربوبی شدن، حقیقت وجودی انسان و بر مبنای هستی‌شناسی غایت‌گرانه اوست. این امر مستلزم ابزار و روش‌هایی است. روشی که بسیار مورد تأکید قرآن است روش انذار و تبشیر است. اهمیت بحث انذار و تبشیر به این دلیل است که دوگانگی این روش تربیتی متناسب با ویژگی‌های انسانی آسایش طلبی و رنج گریزی است که در آیات بسیاری مورد توجه قرار گرفته است. حدود ۳۵۰ آیه در قرآن مجید به موضوع انذار و تبشیر اختصاص یافته است که با دقت و تأمل در آنها می‌توان به نکات ظریف تربیتی بسیاری دست یافت. مبانی انسان شناختی تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم عبارتند از: انسان دارای گستره وجودی است، هویت انسان به نفس اوست، نفس انسان دارای دو وجه ادراکات و احساسات است، انسان می‌تواند انتخاب کند[۱]. اساسی‌ترین هدف پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام شکوفاسازی فطرت الهی در انسان‌ها بود. آنان برای این مهم، از دو عامل تشویق و تنبیه بهره می‌بردند، به گونه‌ای که سفارش به بهره‌گیری از این دو عامل تربیتی در سخنان آنان بسیار به چشم می‌خورد.

باید دانست هر چند تنبیه و تهدید به عنوان عامل بازدارنده ممکن است افراد را از ارتکاب کارهای زشت بازدارد، ولی معمولاً انگیزه‌های درونی آنها را تغییر نمی‌دهد و به اصلاح درون و تغییر در رفتار نمی‌انجامد. در مقابل، نقش تشویق چنین نیست. تشویق، رغبت‌های درونی را بر می‌انگیزد و با تقویت روحیه‌ی افراد، رفتار مطلوب در آنها می‌آفریند. از این رو، تشویق بیشتر از تنبیه در اصلاح درون مؤثر می‌افتد. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام درباره‌ی زیان‌های تنبیه می‌فرماید:

اِنَّ لِلقُلوبِ شَهْوَةً وَ اِقْبالاً وَ إدبارا فَأتوُها مِن قَبْلِ شَهْوَتِها وَ اِقْبالِها، فَاِنَّ القَلْبَ اِذا أُکرِهَ عَمِی.[۲]

همانا دل‌ها، خواسته‌هایی دارند. دل‌ها رااز ناحیه‌ی میل ورغبت آن‌ها به دست آورید. اگر قلب زیر اکراه و اجبار قرار گیرد، کور می‌شود.

بنابراین تا آن جا که ممکن است باید از روش تشویق و تکریم شخصیت بهره گیریم نه تنبیه. بسیاری از آیات قرآن کریم نیز اشاره دارد که خداوند هماره عامل تشویق و پاداش را به کار می‌برد و تنها در صورت سرپیچی بندگان از فرمان الهی، از تهدید و تنبیه استفاده می‌کند. خداوند آن جا که وظیفه‌ی پیامبران الهی رابیان می‌کند، بشیر و مبشر بودن را بر انذار و منذر بودن، مقّدم می‌آورد.

در این نوشتار سعی می‌شود با انتخاب و استناد به آن دسته از آیات انذار و تبشیر که مضامین تربیتی قویتری دارند، مبانی و اصول تربیتی که بنیاد این روش است، استخراج شود؛ لذا دستیابی به این هدف پس از مروری کوتاه بر مفهوم شناسی واژه انذار و تبشیر با تأمل در برخی از آیات انذار و تبشیر و سپس تبیین و تحلیل تربیتی آنها به منظور استنباط مبانی و اصول تربیتی انجام می‌شود. لذا جهت آشنایی و تفسیر لغات از جنبه‌های مختلف بر مبنای کتب لغوی مشهور استفاده شد. برخی از این کتب لغت همانند قاموس قرآن، مفردات الفاظ قرآن و فرهنگ ابجدی و غیره استفاده شد. در ادامه این تحقیق بر مبنای آرا علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و تفاسیر دیگر از جمله مجمع البیان، نمونه و نور و غیره استفاده شد. همچنین در این تحقیق از ترجمه آیات قرآن کریم توسط آیت الله مشکینی نیز استفاده شده است.

پس از بررسی‌های ابتدایی آیات انذار و تبشیر دسته بندی و در بخش‌های مختلف بر اساس محتوا و معنا تقسیم بندی شد. سپس نکات و پیام‌های آیات مربوط به تشویق و تنبیه در قرآن بر مبنای تفاسیر مختلف به خصوص تفسیر المیزان علامه طباطبایی جمع‌آوری و به بحث و نتیجه گیری پرداخته شد. سعی شد از جنبه‌های تربیتی آیات تشویق و تنبیه نکات مهم اخلاقی استخراج شود. لذا با بررسی آیات و نظرات علامه می‌توان بیان داشت جهت ارزیابی در امور تربیتی، مدیریتی، اجرایی جوامع اسلامی بایستی از عواملی نظیر آموزه‌های تشویق و تنبیه که در قرآن و سنت الهی پیش‌بینی شده است، استفاده نمود. آموزه‌های اخلاقی با بهره‌مندی از قرآن کریم در مسیر تعالی و رشد زندگی دنیوی و اخروی انسان از اهمیت والایی برخوردار است و از جمله مهمترین موضوعاتی است که مورد اهتمام ویژه تمام پیامبران الهی بوده است. در عصر کنونی با توجه به پیشرفت همه جانبه و شتابان علم و فناوری در عرصه‌های مختلف زندگی، زمینه‌ها و انگیزه‌های فساد و تباهی نیز روز افزون گشته است. بر این اساس، یکی از بهترین شیوه‌های مصونیت از مفاسد اخلاقی، بهره‌مندی از آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم است. با بررسی آیات الهی در این زمینه برخی از زوایا و ابعاد پنهان کلام خدا فرا روی مخاطب آشکار شده و دست یابی به فهم دقیق‌تر میسر می‌گردد و زمینه‌های گرایش به تشویق و تنبیه و عمل به آنها، بیش از پیش فراهم می‌گردد.

---

[۱] فاطمی، ماجده. ۱۳۸۸. دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد.

[۲] نهج البلاغه، فیض الاسلام. ترجمه وشرح نهج البلاغه. سیدعلی نقی فیض الاسلام؛ گردآورنده، ابوالحسن محمد رضی؛ کاتب: طاهر بن عبدالرحمن خوشنویس تبریزی. تهران، ۱۳۶۵ ق. (تهران: چاپخانه سپهر). حکمت ۱۸۴.

پرسش اساسی این تحقیق را می‌توان اینگونه بیان داشت که تشویق و تنبیه چه تاثیری بر زندگی مربی و متربی موجود در دانشگاه تراز انقلاب اسلامی دارد؟ مفسران آیات مربوط به تشویق و تنبیه را چگونه بیان کرده‌اند؟

فرضیه پژوهش نیز بر این اصل استوار است که اخلاق قرآنی در زندگی فردی و اجتماعی انسان، او را از هر گونه آسیب و فساد مصون می‌کند. جهت رسیدن به سعادت دنیا و آخرت این عالیترین نسخه برای بشر از سمت خالق اوست. بر همین اساس هدف از این مقاله آشنایی با آموزه‌های اخلاقی قرآن نظیر تشویق و تنبیه و کشف زیبایی‌های آن و فراهم نمودن بسترهای مناسب به کارگیری بیش از پیش اخلاق قرآنی در محیط دانشگاه است.

تعریف لغوی تبشیر و انذار:

آدمی را نسبت به فضائل، کمالات و استعدادهایش انسان و نسبت به جسد و شکل ظاهری بدنش، بشر می‌گویند. بشره ظاهر پوست بدن و ادمه باطن آنست و بانسان از آن جهت بشر گفته‌اند که پوستش از میان مو آشکار و نمودار است بر خلاف حیواناتی که پشم و مو و کرک، پوست بدنشان را مستور کرده است قرآن در هر کجا که از انسان جسد و شکل ظاهر مراد بوده لفظ بشر آورده است[۳].

معنی اصلی در واژه بشر آن چنان که ابن فارس بیان می‌دارد، ظهور و آشکار شدن با حالت انبساط و نیکویی است و در بشارت هم همان حالت شادمانی است. استعمال آن برای بشر به خاطر همان حالت شادمانی است که در پوست او ظاهر می‌شود و اکنون دیگر، نامی برای انسان شده است[۴].

استبشار یعنی شادمان شدن به شنیدن خبر و راهگشایی در امور و کارها[۵].

تبشیر یعنی مژده دادن و اخباریست که در آن سرور و شادی نهفته است[۶].

خبر مسّرت بخش را نیز (بشارت) یا بشری گویند، بشیر همان مبشّر و بشارت‌دهنده، است[۷]. اگر یبشّر با تشدید خوانده شود از بشارت است و اگر یبشر بدون تشدید خوانده شود از سرور و خوشحالی است. فعل أبشر یعنی بشارت یافت، هم لازم است و هم متعدّی است چنانکه می‌گویند: بشرته مژده‌اش دادم و شادمان شد و امّا أبشرته در معنی استبشار و إبشار یعنی شادمان‌شدن است.[۸]

اما نذر یعنی در کاری که پیش می‌آید انسان چیزی را بر خودش واجب کند که در واقع واجب نیست. دانستن و حذر کردن، انذار خبری است که ترس و بیم در آن باشد.[۹]

نُذُر: (بضم اوّل و دوّم) مصدر است به معنی انذار.

(منذر): انذار کننده. (نذیر): انذار کننده این لفظ در قرآن مجید فقط در باره پیامبران آمده و گاهی توأم با لفظ «بشیر» است[۱۰].

نذیر هم همان منذر یا بیم دهنده است که بر هر چیزی که بیم دادن یا انذار در آن باشد واقع می‌شود خواه انسان یا غیر از انسان.[۱۱]

تعریف اصطلاحی تبشیر و انذار

تبشیر، قائد است و انذار، سائق. " قائد " یعنی جلوکش. کسی که مثلاً مهار اسب یا شتری را می‌گیرد، از جلو می‌رود و حیوان از پشت سرش، او را می‌گویند قائد و " سائق "آن کسی را می‌گویند که از پشت سر حیوان را می‌راند. تبشیر حکم قائد را دارد، یعنی از جلو می‌کشد و انذار حکم سائق را، یعنی از پشت سر می‌راند و هر دوی اینها یک عمل انجام می‌دهند. حال اگر این دو با یکدیگر باشد، هم قائد وجود داشته باشد و هم سائق، یکی از جلو حیوان را بکشد و دیگری از پشت سر حیوان را براند، هر دو عامل در آن واحد حکم فرما بوده؛ و این هر دو برای بشر ضروری است، یعنی تبشیر و انذار هیچکدام به تنهایی کافی نیست. تبشیر شرط لازم هست ولی شرط کافی نیست. انذار هم شرط لازم هست ولی شرط کافی نیست. اینکه به قرآن کریم سبع المثانی گفته می‌شود شاید یک جهتش این است که همیشه در

---

[۳] قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۹۳؛ راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظالقرآن، تهران، المکتبه‌المرتضویه لاحیاء آثارالجعفریه، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ج ۱، ص ۲۷۰؛ بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی الفبائی (عربی–فارسی)؛ ترجمه رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی، دوم، زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۸۵.

[۴] مؤدب، رضا، مفردات قرآن، پژوهشی در واژه شناسی قرآن، قم، موسسه احسن الحدیث، چاپ سپهر، چاپ اول، ۱۳۷۸ ص ۳۴ و ۳۵.

[۵] قرشی، علی‌اکبر، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۴، راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، پیشین، ج ۱، ص ۲۷۲.

[۶] راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، پیشین، ج ۴، ص ۳۰۷.

[۷] همان، ج ۱، ص ۲۷۳.

[۸] همان، ج ۱، ص ۲۷۵.

[۹] همان، ج ۴، ص ۳۰۷؛ قرشی، علی‌اکبر، پیشین، ج ۷، ص ۴۱.

[۱۰] همان، ج ۷، ص ۴۲.

[۱۱] راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، پیشین، ج ۴، ص ۳۰۸.

قرآن تبشیر و انذار مقرون به یکدیگر است؛ یعنی از یک طرف بشارت است و نوید و از طرف دیگر انذار و اعلام خطر. در دعوت، این هر دو رکن باید توأم باشد. اشتباه است اگر داعی و مبلغ تنها تکیه‌اش روی تبشیرها باشد و یا تنها تکیه‌اش روی انذارها باشد و بلکه جانب تبشیر باید بچربد و شاید به همین دلیل است که قرآن کریم تبشیر را مقدم می‌دارد[12].

واژه تبشیر از ریشه بشر ۳۵ بار[۱۳] و مشتقاتش (مبشّرات، مبشّرین، بشیر، بشری، بشرین، یستبشرون، ابشرا) ۸۴ بار در قرآن آمده است و با دو معنا به کار رفته است، یکی تشویق و خبر خوش، دیگری تهدید به عذاب. واژه انذار با مشتقاتش بیش از ۱۲۴ بار در قرآن کریم به کار رفته است[۱۴]. در آن‌ها ضمن بیان این مطلب که منذر حقیقی خداست - و از این رو یکی از اسمای الهی منذر است. دیگر منذران نیز پیام او را ابلاغ می‌کنند از مسئولیت پیامبران به ویژه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله)، اهداف، موارد، شیوه، مخاطبان و واکنش آن‌ها در مورد انذار سخن به میان آمده است. گفتنی است که افزون بر موارد کاربرد انذار و مشتقات آن، بخش‌های فراوانی از قرآن بدون به کارگیری این واژگان عملاً به انذار پرداخته است، زیرا در آن‌ها از عذاب، دشواری مرگ، برزخ، جهان آخرت، حسابرسی، جهنّم و عذاب الهی به صورت اعلام، اخبار، تهدید، وعید و تحذیر یاد شده است.

تشویق و تنبیه در قرآن

از شـیوه‌های تربیتی قرآن و تشـویق به رفتار پسـندیده، درود فرسـتادن بر افراد به خصـوص قشـر نوجوان اسـت، قرآن کریم از این شـیوه برای دنیا، برزخ و آخرت اسـتفاده می‌کند. به همین دلیل، درباره‌ی حضـرت یحیی علیه‌السـلام می‌فرماید: سَـلامٌ عَلَیه یومَ وُلِدَ وَ یومَ یموتُ و یوم یبعثُ حیا. (مریم/۱۵). درود بر او، آن روز که به دنیا آمد و آن روز که می‌میرد و آن روز که زنده برانگیخته می‌شود. گاهی این درودها بدون قید دنیا و برزخ و قیامت آمده است، مانند سلامٌ علی ابراهیم. (صافات/۱۰۹).

بدین ترتیب با بررسی ابتدایی آیات، درود فرستادن به نیکوکاران سبب می‌شود آنان احساس شخصیت کنند و به کار نیک خود ادامه دهند. البته گاه در قرآن و روایات به تشویق‌های اشاره شده است که با برخی از شیوه‌ها تفاوت دارد. این تشویق‌ها اگر به سرای آخرت مربوط باشد، نسبت به نعمت‌های بهشتی و اخروی از افق و ارزش بیشتری برخوردار است و اگر به این دنیا مربوط باشد، تشویق‌های مالی و مادی برتر است. نشان دادن اعتماد به فرد یا نزدیک کردن او به خود، از این نمونه‌هاست.

روش‌های تشـــویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اســـلامی از دیدگاه قرآن، شـــامل تبیین حقیقت عمل، توجه دادن به پیامد عمل، استفاده از جاذبه و دافعه عاطفی، وعده و وعید، معرفی الگو، استفاده از زبان تشویق و تنبیه از روش‌های تشویق وتنبیه در تربیت اسلامی و کیفر به عنوان روش خاص تنبیه از دیدگاه قرآن می‌باشد[۱۵]. انسان طبعاً کمال جو و دوست دار پیشرفت و ساختن دنیای بهتر برای خود است. ولی برای رسیدن به این پیشرفت، به انگیزه نیاز دارد. آیات قرآن نیز از این حیث مستثنی نیست. با بررسی آیات مربوط به تبشیر و انذار بر مبنای محتوی دریافت می‌شود، این آیات به چهار بخش قابل تفکیک است. لذا به اختصار در این مقاله به آن اشاره می‌شود. این بخش‌ها بر اساس زیر انجام شده است.

در بخش اول به آیاتی اشاره شده است که مشتقات بشر و نذر با هم آمده است، در بخش دوم آیاتی که مشتقات بَشَرَ در آن به تنهایی آمده است، در بخش سوم آیاتی که در آن بشارت به عذاب آمده است و در بخش چهارم آیاتی که مشتقات نذر در آن آمده است. در ادامه نمونه‌ای از هر بخش به اختصار ارائه می‌شود.

نمونه بخش اول (تبشیر و انذار)

﴿أَ کانَ لِلنَّاسِ عَجَباً أَنْ أَوْحَینا إِلی رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَ بَشِّرِ الَّذینَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قالَ الْکافِرُونَ إِنَّ هذا لَساحِرٌ مُبینٌ﴾ (یونس/۲). آیا برای مردم تعجب آور است که به مردی از خود آنها (نه از فرشتگان و نه از اجنّه) وحی کردیم که مردم را (از کفر و شرک و فسق) بیم ده و کسانی را که ایمان آورده‌اند مژده ده که آنان را در نزد پروردگارشان سابقه نیک و منزلت و مقامی راستین و پاداشی بسزاست؟ (از این رو) کافران گفتند: حتماً این (مرد) جادوگری آشکار است.

آیه به نحواسـتفهام انکاری می گوید، چه جای تعجب اسـت از اینکه ما معارف الهی را که دعوت قرآنی شـامل آن اسـت به فردی از میان شما وحی کنیم؟ تا عامه مردم را بیم دهد و مؤمنان را بشارت دهد که نزد پروردگارشان منزلت و مقامی صادق و واقعی دارند.

---

[12] مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، ۱۹۹۴، ص ۲۰۷ و ۲۰۸.

[۱۳] قرشی، علی‌اکبر، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۴.

[۱۴] روحانی، محمود، المعجم الاحصائی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۵۴۲.

[۱۵] فاطمی، ماجده. ۱۳۸۸. دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد.

جمله «أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ ...» آن چیزی را که به آن جناب وحی کرده بود تفسیر می‌کند و می‌فهماند اینکه گفتیم «أَوْحَيْنا إِلى رَجُلٍ مِنْهُمْ»، منظورمان از آن چیزی که وحی کردیم انذار و تبشیر است. پس آن وحی نسبت به عموم مردم انذار و نسبت به خصوص کسانی که از میان عموم ایمان آورده‌اند بشارت است. پس به هر حال این کتاب در بعضی از احتمالات و تقادیر به ضرر مردم است و آن احتمال عبارت است از اینکه مردم نسبت به آن کفر بورزند و از دستوراتش عصیان کنند و در بعضی از تقادیر به نفع مردم است و آن عبارت است از اینکه مردم به آن ایمان آورده دستوراتش را اطاعت کنند.[۱۶] پیام آیه این است که وظیفه‌ی پیامبران، بشارت و انذار است. أنذر، بشّر[۱۷]. ﴿وَ ما نُرْسِلُ الْمُرْسَلينَ إِلاَّ مُبَشِّرينَ وَ مُنْذِرينَ وَ يجادِلُ الَّذينَ كَفَرُوا بِالْباطِلِ لِيدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَ اتَّخَذُوا آياتي وَ ما أُنْذِرُوا هُزُواً﴾ (کهف/۵۶)؛ و ما فرستاده‌های خود را جز مژده رسان و بیم دهنده نمی‌فرستیم، (زیرا اجرای احکام وظیفه امام و پاداش و کیفر از شئون خداست) و کسانی که کفر ورزیدند به باطل مجادله می‌کنند تا بدان وسیله حق را از بین ببرند (درخواست معجزات غیر معقول، سؤال از قیام قیامت، عدد اصحاب کهف و حقیقت روح می‌کنند تا قرآن و معجزات نبوت را به تشکیک از بین ببرند) و آنها آیات و نشانه‌های مرا و آنچه را که بدان بیم داده شده‌اند به مسخره گرفته‌اند.

این آیه در مقام تسلیت و آرامش دادن به پیامبر اسلام است تا آن حضرت از انکار و عناد مشرکان اندوهگین نشود و از اعراض آنها دلتنگ نگردد، چون وظیفه پیامبران چیزی جز بیم دادن و بشارت نیست و در عین حال این آیه نوعی تهدید برای کفار نیز هست، چون آنها با آنکه جز باطل چیزی ندارند، باز با حق مجادله می‌کنند و قصد دارند آن را نابود سازند و آیات الهی را علی رغم اینکه شامل حق و دلالت روشن هستند و نیز وعید عذاب را که پیامبر، آن‌ها را از آن بیم می‌دهد، به تمسخر و استهزاء می‌کند.[۱۸]

پیام برخی از آیات در بخش اول که تبشیر و انذار را توأمان دارند این است که آگاهی بر سنّت خداوند و رسالت انبیا و عکس العمل مردم و سرنوشت اقوام لجوج، نوعی تسلّی برای پیامبر است (ومانرسل المرسلین). کار انبیا بشارت و انذار است، نه اجبار مردم بر پذیرش (الآمبشّرین و منذرین). خداوند، حجّت را بر مردم تمام می‌کند. (وما نرسل المرسلین ...) برای پذیرش آن مردم اجباری نداشتند. (مبشرین و منذرین و یجادل الّذین کفروا). مژده‌ها و هشدارهای انبیا، واقعیت‌هایی است که کفّار برای محو آن تلاش می‌کنند. (مبشرین و منذرین ... لیدحضوا به الحق ّ)[۱۹].

نمونه بخش دوم (مشتقات بَشَرَ)

﴿لَهُمُ الْبُشْرى فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِي الْآخِرَةِ لا تَبْديلَ لِكَلِماتِ اللَّهِ ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ﴾ (یونس/ ۶۴). آنان را در زندگی دنیا و در آخرت بشارت است (در دنیا به زبان انبیا و الهامات غیبی و فرشتگان در نزد مرگ و در آخرت به خطاب حق و لقای ملک و ظهور حقایق)، هیچ تبدیلی در کلمات خدا (در وعده‌های او) نیست، این است کامیابی بزرگ.

خدای تعالی در این آیه شریفه اولیای خود را بشارتی اجمالی می‌دهد، بشارتی که در عین اجمالی بودن مایه روشنی چشم آنان است، حال اگر منظور از جملهَ «هُمُ الْبُشْرى» انشای بشارت باشد و معنایش این باشد: «بشارت باد آنان را که ...» در نتیجه معنایش این خواهد بود که این بشارت هم در دنیا برای آنان واقع می‌شود و هم در آخرت واقع خواهد شد و اگر انشاء نباشد بلکه خبر باشد و خواسته باشد بفرماید: «خدای تعالی بزودی اولیای خود را در دنیا و آخرت بشارت می‌دهد» و بعدها بشارت در دنیا و آخرت واقع می‌شود، ولی آیا آن نعمتی هم که بشارت آن را داده تنها در آخرت تحقق می‌یابد و یا هم در دنیا و هم در آخرت؟ آیه شریفه از آن ساکت است؛ و اینکه فرمود: «لا تَبْديلَ لِكَلِماتِ اللَّهِ» اشاره است به اینکه این بشارت قضای حتمی الهی است[20].

امام باقر (علیه‌السلام) در معنای بشارت داشتن در دنیا فرموده: منظور از بشارت دنیوی رؤیایی است که مؤمن برای خود می‌بیند و یا دیگران درباره‌اش می‌بینند و معنای «بشارت در آخرت به بهشت» همان بشارتی است که فرشتگان در قیامت و در همه احوال آن بعد از برخاستن مؤمنین از قبور به آنان می‌دهند.

---

[۱۶] طباطبائی محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی همدانی، (۲۰ ج نمونه)، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴. ج ۱۰، ص ۸.

[۱۷] قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، ۱۳۸۳، سایت، http://library.tebyan.net، ۱۳۹۴.

[۱۸] طباطبائی، محمدحسین، پیشین، ج ۱۳، ص ۴۶۲.

[۱۹] قرائتی، محسن، پیشین، سایت، http://library.tebyan.net، ۱۳۹۴.

[20] طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۳۶.

علامه طباطبایی: صاحب مجمع البیان بعد از نقل این حدیث گفته است: «این معنا در حدیثی که از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده نیز آمده است» و نظیر آن از امام صادق (علیه‌السلام) نیز روایت شده و آن روایت را قمی در تفسیر خود به طور مضمر آورده یعنی نام امام (علیه‌السلام) را نبرده و تنها گفته است: از آن جناب.[۲۱]

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: آن بشارت این است که هنگام مردن او را به بهشت مژده می‌دهند، یعنی محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و علی (علیه‌السلام) این بشارت را به آنان می‌دهند[22].

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: رشته رسالت و نبوت قطع شد و بعد از من دیگر نه رسولی خواهد آمد و نه کسی به مقام نبوت خواهد رسید و لیکن مبشراتی خواهد بود. اصحاب پرسیدند: یا رسول اللّه! مبشرات چیست؟

فرمود: رؤیاهایی که مسلمان می‌بیند که خود جزئی از اجزای نبوت است.

علامه طباطبایی: در معنای این حدیث احادیثی دیگر از ابی قتادهٔ و عایشه از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است.[۲۳]

نکته‌ی مستخرج از بخش دوم بشارت اهل ایمان و تقوا، در دنیا از طریق خواب‌ها و رؤیاهای صادقه، الهامات الهی، نزول آرامش و سکینه، خنثی شدن توطئه‌ها، مستجاب شدن دعاها و دیدار معصومین به هنگام مرگ است و در آخرت نیز دریافت نعمت‌های الهی است.

همچنان که رسول خدا صلی‌الله علیه واله به مناسبت این آیه فرمود: بشارت دنیوی همان خواب‌های خوبی است که در آن مژده است وبشارت اخروی بشارتی است که لحظه‌ی مرگ به او داده می‌شود که تو و کسانی که تو را به‌سوی قبر حمل می‌کنند، آمرزیده می‌شوید. در روایتی امام باقر علیه‌السلام به ابوحمزه ثمالی فرمود: لحظه‌ی مرگ، محمّد و علی علیهماالسلام نزد مؤمن حاضر شده و می‌فرمایند: به‌سوی ما بیا که آینده‌ی تو بهتر از گذشته است و روح تو به روح خداوند ملحق می‌شود.

بشارت‌های خداوند به اولیایش در دنیا، در آیات دیگر قرآن آمده است که نشان می‌دهد اولیای خدا در همین دنیا نیز فایز و برنده‌اند، زیرا:

۱- آرامش دارند. ألا بذکر اللّه تطمئنّ القلوب
۲- توکل دارند. فلیتوکل المؤمنون
۳- امداد غیبی می‌شوند. وجنوداً لم تروها
۴- همواره پیروز هستند. اِحدَی الحُسنیین
۵- بینش و نور دارند. یجعل لکم فرقانا
۶- در بن بست قرار نمی‌گیرند. یجعل له مَخرجاً
۷- کارشان را بیهوده نمی‌بینند. فمن یعمل مثقال ذرّهٔ خیراً یره
۸- از ملامت‌ها نمی‌ترسند. لایخافون لَومَهٔ لائم
۹- از مردم نمی‌ترسند. انّ الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا
۱۰- از طاغوت نمی‌ترسند. فاقض ما انتَ قاض
۱۱-گرفتار حیرت نیستند. یهدیهم ربّهم بایمانهم
۱۲- محبوبیت دارند. سیجعل لهم الرّحمن وُدّا
۱۳- کارهای فانی خود را با رنگ الهی جاودانه می‌کنند. صِبغهٔ اللّه

پیام‌های بخش دوم، آیاتی که مشتقات بَشَرَ در آن به تنهایی آمده است به شرح ذیل است. تنها اولیای خدا، هم دنیا دارند، هم آخرت. لهم البشری فی الحیوهٔالدنیا...والاخرهٔ. وعده‌های الهی قطعی و حتمی است. لهم البشری ... لاتبدیل. ... رستگاری بزرگ برای کسانی است که همواره ایمان و تقوا داشته‌اند. آمنوا و کانوا یتّقون... الفوز العظیم[۲۴].

[۲۱] همان، ج ۱۰، ص ۱۴۳ و ۱۴۴.
[22] همان، ج ۱۰، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.
[۲۳] همان، ج ۱۰، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.
[۲۴] قرائتی، محسن، پیشین، سایت، http://library.tebyan.net، ۱۳۹۴.

نمونه بخش سوم (بشارت به عذاب)

﴿إِنَّ الَّذینَ یکْفُرُونَ بِآیاتِ اللَّهِ وَ یقْتُلُونَ النَّبِیینَ بِغَیرِ حَقٍّ وَ یقْتُلُونَ الَّذینَ یأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلیمٍ﴾ (آل عمران/ ۲۱). همانا کسانی که به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق می‌کشند و از مردم کسانی را که امر به قسط و عدل می‌کنند به قتل می‌رسانند، آن‌ها را به عذابی دردناک بشارت ده.

آیه تصریح به شمول غضب الهی و تهدید به نزول عذاب است و منظور از آن تنها عذاب آخرت نیست، به دلیل اینکه دنبالش می‌فرماید: «أُولئِکَ الَّذینَ حَبِطَتْ أَعْمالُهُمْ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ ...». پس در آیه مورد بحث، هم به عذاب آخرت تهدید شده‌اند و هم به عذاب دنیا، عذاب آخرتشان عذاب آتش و دنیائیشان کشته شدن و آواره گشتن و از بین رفتن اموال و جان‌هایشان بود. نیز عذاب دیگرشان این بود که خدا دشمنی را در بین آنان تا روز قیامت قرار داد که خدای تعالی در کتاب عزیزش همه این‌ها را ذکر کرده است.[۲۵]

در تفسیر کبیر ومجمع البیان وقرطبی می‌خوانیم: بنی اسرائیل در اول روز آن هم در یک ساعت، چهل و سه نفر از پیامبران الهی و یکصد و دوازده نفر از آمران به معروف را به درجه‌ی شهادت رساندند.

البتّه ناگفته پیداست که در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله گروهی که انبیا را شهید کنند نبودند، ولی چون زنده‌ها به کار نیاکان خود راضی بودند، خداوند در این آیه، کسانی را که به خاطر رضایت قلبی، شریک جرم نیاکان هستند، با خطابشّرهم مورد انتقاد و ته دید قرار داده است.

سؤال: از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر آن است که خطری در کار نباشد، ولی در این آیه از کسانی که برای نهی از منکر تا پای جان ایستاده‌اند، ستایش شده است، علّت چیست؟

پاسخ: اوّلاً: شرایط افراد و نوع معروف ومنکر تفاوت می‌کند؛ گاهی منکر، حکومت یزید است که امام حسین علیه‌السلام برای نهی از آن به کربلا می‌رود وشهید می‌شود، می‌فرماید: هدف من از این حرکت و قیام، امر به معروف و نهی از منکر است، امّا گاهی منکر در این حدّ نیست، بلکه گناهی است که باید میان خطر ومفسده‌ی گناه و از دست دادن مال وجان وآبرو مقایسه و با توجّه به اهمیت و اولویت عمل کرد.

ثانیاً: شاید مراد از کسانی که در این آیه مورد ستایش قرار گرفته‌اند آنهایی باشند که خود پیش بینی شهادت نمی‌کردند، ولی ستمکاران آنان را به شهادت رساندند.

پیام آیه بخش سوم، آیاتی که در آن بشارت به عذاب آمده است، نام کسانی که به عدالت دعوت می‌کنند وآمرین به معروف وناهیان از منکر، در ردیف انبیا برده شده است. لذا کیفر قاتلان آنان نیز همچون قاتلان پیامبران است. فبشرهم بعذاب الیم[۲۶].

نمونه بخش چهارم (مشتقات نذر)

﴿وَ أَنْ أَتْلُوَا الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدی فَإِنَّما یهْتَدی لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّما أَنَا مِنَ الْمُنْذِرینَ﴾ (نمل/ ۹۲)؛ و اینکه این قرآن را (برای مردم) تلاوت کنم، پس هر که راه یافت جز این نیست که به سود خود راه یافته و هر که گمراه شد بگو: من فقط از انذارکنندگانم (و هدایت واقعی به دست من نیست).

یعنی و هر کس هدایت نشود، ضلالتش به ضرر خودش است، نه من، برای اینکه من جز بیم‌رسانی نیستم، ولی وکیل آنان نیستم، خدا وکیل بر ایشان است. پس اگر می‌بینیم به جای اینکه بفرماید: «و من ضل فانما انا من المنذرین» با اینکه ظاهر کلام هم همان را اقتضاء داشت، فرمود: «فَقُلْ إِنَّما أَنَا مِنَ الْمُنْذِرینَ» و کلمه «بگو» را اضافه فرمود، برای این بود که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را متذکر آن عهدی کند که قبلاً تذکرش داده بود و آن این بود که غیر از انذار پستی ندارد و موظف است که بر خدا توکل کند[۲۷].

آغاز این سوره درباره‌ی اهمیت قرآن بود. پایان آن نیز از قرآن کریم بحث می‌کند. قرآن درباره‌ی تلاوت خودش می‌فرماید: (و ما تکون فی شأن و ما تتلوا منه من قرآن و لاتعملون من عمل الاّکنّا علیکم شهودا) ای پیامبر! ما بر سه چیز گواهیم: اول: بر تمام کارهای تو. دو: بر تلاوت قرآن تو. ج: بر تمام کارهایی که شما مردم انجام می‌دهید. یعنی تمام شئون و کارهای پیامبر و تمام کارهای مردم در یک سو و تلاوت قرآن آن حضرت در سوی دیگر قرار گرفته و این نشانه‌ی اهمیت بسیار زیاد تلاوت قرآن است. پیام آیه بخش چهارم آیاتی که در آن مشتقات نذر آمده است. پیامبر مسئول گمراه شدگان نیست. (فقل انما انا من المنذرین)[۲۸].

---

[۲۵] طباطبائی محمدحسین، پیشین، ج ۳، ص ۱۹۳.

[۲۶] قرائتی، محسن، پیشین، سایت، http://quran.anhar.ir، ۱۳۹۴.

[۲۷] طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۵، ص ۵۸۰،۵۷۹.

[۲۸] قرائتی، محسن، پیشین، سایت، http://quran.anhar.ir، ۱۳۹۴.

نتیجه گیری

ضرورت هدایت و راهنمایی انسان، ایجاب می‌کند پیامبران الهی در تبلیغ و دعوت خویش به شیوه‌ها و روش‌های مناسبی توجه کافی مبذول دارند که از جانب خداوند برای روح و روان پیچیده انسان مقرر شده است و با به کارگیری آن بر تربیت نفوس، فائق آیند. از جمله این روش‌ها "انذار و تبشیر" است که قرآن آن‌ها را دو رکن اساسی در رشد و تربیت نفوس، معرفی کرده است به طوریکه خداوند سبحان که خود اولین منذر و مبشر عالم هستی است در آیات شریفه، هدف از فرستادن پیامبران را انذار و تبشیر بیان می‌کند؛ زیرا این دو اهرم تربیتی در کنار هم و به همراه یکدیگر موجب حفظ و هدایت و سرعت و شتاب مؤمنان در مسیر الی الله می‌شوند؛ بدین معنا که انذار با اعلان خطر کردن و تنبه و آگاهی دادن مؤمن و بر حذر داشتن او از تمایل به انحرافات و کژی‌ها، موجب حفظ و هدایت و تبشیر با ایجاد شوق و رغبت در رسیدن به مقصد، سبب شتاب و سرعت او در این راه می‌شود.

البته شواهد قرآنی دال بر این است که انذار، عمومیتی دارد که در تبشیر نیست، چون انذار شامل مؤمنان و کفار می‌شود؛ و ممکن است در بعضی موارد سازنده نباشد و کفار معاند به سبب سرپیچی و طغیان، بدان هدایت نیابند و دچار عذابهای سخت الهی شوند و لذا تبشیر را که همیشه سازنده و خاص مؤمنان است، مقرر فرمود و شاید به همین سبب است که خداوند در بیشتر آیات مربوط به انذار و تبشیر، بشارت را بر انذار مقدم داشته است.

منذرات و مبشرات در قرآن بسیار است که هر کدام تقسیماتی در مورد دنیا و آخرت دارد که به تبع آن آثاری را در حیات فردی و اجتماعی انسان نمایان می‌سازد. مسلم است که از دیدگاه قرآن انذار و تبشیر در عین اینکه معنایی مقابل یکدیگر دارد و در حیطه نظر و لفظ کاملاً جدا و متباین است در حیطه عمل در واقع دو روی سکه تربیت است؛ بدین معنا که لازمه تربیت صحیح و کارآمد، بهره گیری از هر دو روش است.

آنچه در متون اسلامی ناظر بر این معناست، توجه و تأکید به حفظ بندگان در حالت خوف و رجا است. ایجاد تعدیل روحی این است که نه ایجاد اطمینان طغیان برانگیز شود نه ترس یأس برانگیز و این مفهوم عمیق روانشناختی برگرفته از شناخت دقیق و استوار ویژگیهای ذاتی انسان است. به کارگیری هریک به تنهایی ممکن است در جهت تعدیل رفتار کارساز نباشد. از آن رو که تربیت صحیح و مطلوب این است که مطابق با ویژگی‌های وجودی استاد تراز انقلاب اسلامی باشد و به این دلیل که آدمی وجودی پیچیده به تضادهاست، خداوند شیوه‌ای مطابق با شأن وجودی وی به پیامبرانش می‌آموزد.

نتایج بررسی آیات قرآنی در حوزه انذار و تبشیر در قالب دو اصل تربیتی جداگانه حاصل از تشویق و تنبیه عرضه می‌شود. هر یک از این اصول در بردارنده روش‌هایی است که دستیابی به اهداف تربیتی انذار و تبشیر را سهولت می‌بخشد.

بررسی آیات تشویق و تنبیه (تبشیر و انذار) اصول تربیتی را به شرح ذیل منجر می‌شود:

اصول تربیتی مستخرج از آیات تبشیر، شامل اصل آسان سازی، اصل پیوستگی و محافظت بر عمل، اصل تأثیرگذاری و تأثیر پذیری، اصل مسئولیت پذیری، اصل فضل، اصل آزاد اندیشی و اصل آینده نگری و عاقبت اندیشی می‌شود.

اصول تربیتی مستخرج از آیات انذار، شامل اصل یادآوری، اصل تمکن (توجه به تفاوت‌های فردی)، اصل عدل، اصل آینده نگری و عاقبت اندیشی و اصل تعقل (بازدارندگی) می‌شود.

بدین ترتیب امکان مقایسه و تأمل بیشتر در مورد جایگاه این دو روش تربیتی فراهم می‌شود. چنانچه تبشیر به پرورش تمایلات و خواسته‌های مثبت مدد رساند و انذار به کاهش تمایلات منفی و وسوسه‌های نفسانی، لزوم همراهی و هماهنگی این دو با یکدیگر به منظور تحقق اصل اعتدال روحی آشکار می‌شود؛ بدین سان می‌توان گفت مهمترین اصل تربیتی که ناظر بر همراهی انذار و تبشیر است، اصل اعتدال است که موجب قرار گرفتن در حالت خوف و رجا است. کاربردی کردن انذار و تبشیر در زمان کنونی بویژه در حوزه احکام دینی و پیاده سازی در دانشگاه تراز انقلاب در گرو احیای امر به معروف و نهی از منکر است.

با توجه به آن چه که گذشت این نتیجه را می‌توان گرفت که انذار و تبشیر هردو به معنای با خبر کردن می‌باشند، لکن یک وقت این باخبر کردن از چیزی است که شوق و مسرت شنونده را نیز به همراه خواهد داشت که می‌شود بشارت و یک وقت این خبر از عاملی است که آن عامل موجب ایجاد ترس در شنونده خواهد شد که انذار نام خواهد گرفت.

البته گاهی اوقات تشویق و تنبیه از بشارت و انذار جدا می‌شود. به طور مثال زمانی که یک پدر از دست فرزندش عصبانی است و برای فروکش کردن عصبانیت خود اقدام به تنبیه فرزندش می‌کند دیگر قصد تربیتی در میان نیست اگر چه اثرات تربیتی برآن عمل مترتب خواهد بود.

منابع و مآخذ

۱. امید، مسعود، نظری به زندگی وبرخی اراء علامه طباطبایی، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۲. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی الفبائی (عربی-فارسی)؛ ترجمه رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی، دوم، زمستان ۱۳۷۵.
۳. خرمشاهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان ناهید، اول، ۱۳۷۷.
٤. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ‌القرآن، تهران، المکتبه‌المرتضویه لاحیاء آثارالجعفریه، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
٥. روحانی، محمود، المعجم الاحصائی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
٦. طباطبائی محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی همدانی، (۲۰ ج نمونه)، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن. انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
۸. فاطمی، ماجده. بررسی روش‌های تشویق وتنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه قرآن و مقایسه آن با مکتب رفتارگرایی. ۱۳۸۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. فیض الاسلام، سیدعلی نقی. ترجمه و شرح نهج البلاغه. گردآورنده، ابوالحسن محمد رضی؛ کاتب: طاهر بن عبدالرحمن خوشنویس تبریزی. تهران، ۱۳۶۵ ق.
۱۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، ۱۳۸۳، سایت، http://library.tebyan.net، ۱۳۹۴.
۱۱. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۴.
۱۲. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، تهران، ۱۹۹۴.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، ۱۳۷۴. http://quran.anhar.ir. ۱۳۹۴.
۱٤. مؤدب، رضا، مفردات قرآن، پژوهشی در واژه شناسی قرآن، قم، موسسه احسن الحدیث، چاپ سپهر، چاپ اول، ۱۳۷۸.
15. http://quran.anhar.ir
16. http://library.tebyan.net